

«از هر کار معشوقه توان ساختن و عشق را
در هر شغلی توان بردن»
(ترکستان نامه)

«بدان که حمالی کاری است که بزرگان دین از
وی حساب بسیار گرفته‌اند. به واسطه آن که در
حقیقت، غیرانسان کسی حمال بار امانت
نیست...»
فتوت‌نامه سلطانی

کار در فتوت نامه‌ها

(مرام‌نامه‌های صنفی - طریقتی، خودانگیخته و خودپذیرفته پیشه‌وران ایرانی)

دکتر مرتضی فرهادی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۰

چکیده

این نوشته در پی شناسایی و تحلیل دسته شاخص اما نسبتاً فراموش شده‌ای از منابع مهم مربوط به پیشه‌وران و اصناف ایرانی است. منابعی با نام‌های کلی فتوت نامه، رسائل جوانمردان، کسب نامه‌ها، کسوت نامه... که در واقع مرام نامه‌های خود تضمین کننده (خودپذیرفته، خود پذیرفتگار) و درونی شده بخشی از پیشه‌وران و صاحبان مشاغل گوناگون در ایران و دیگر کشورهای مسلمان بوده است، که می‌توانند مورد توجه و پژوهش پژوهشگران حوزه‌هایی از انسان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، اقتصاد، توسعه، ادبیات و دین قرار گیرند. این دسته از منابع در شرایط کنونی ایران و کشورهای مانند ایران، به دلایلی که مؤلف در دو کتاب انسان‌شناسی توسعه پایدار و دگرگونی‌های فرهنگ تولید و کار در ایران و در زمانه نونا کجاآباد سازی‌های نظام سوداگری-استعماری و تقلیل و تحلیل فرهنگ تولید و کار و آوازه‌گری‌های جانانه برای مصرف و جامعه مصرفی و مصرف انبوه می‌توانند بسیار پندآموز بوده و مصالح و شیوه‌های آن در بازتولید فرهنگ آسیب دیده و آزارمند تولید و کار کشورهای جهان سوم و به ویژه خاورمیانه‌ای دارای ذخایر زیرزمینی بکار آیند. در این نوشته پس از پرداختن به ریشه‌های تاریخی آیین‌های جوانمردی و خیرش عیاران و قدرت گرفتن پیشه‌وران تا حد حکومت‌های منطقه‌ای در ایران و عبور از اهداف سیاسی و عیاری به مقاصد و اهداف صنفی این جنبش، به شیوه و شگردهای تبلیغی و آموزشی پیشه‌وران در این رسائل اشاره می‌شود. به نظر می‌رسد یورش فرهنگی ضد کار یونانی پس از حمله اسکندر به ایران که خود را در اشرافیت عصر ساسانی و بازتولید آن در اشرافیت خلفای اموی و عباسی و ستمگری‌های آنها نمایانده است شرایط اجتماعی لازم برای جنبش عیاری و جوانمردی اسلامی و ضد اشرافی و احیای فرهنگ تولید و منزلت اجتماعی کار را فراهم آورده است.

* . استاد گروه پژوهشگری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

به همین دلیل است که نخستین تعلیم اهل فتوت و فتوت نامه‌ها ارزش بخشی به کار و تلاش و مبارزه جانانه با "خوارانگاری" حتی کم اهمیت‌ترین کارها می‌باشد. در راستای این اهداف هر آنچه با کار و عزت و اهمیت آن، کارآموزی و تجربه اندوزی، ابزار کار و روابط استاد و شاگردی، روابط هم پیشگان با یکدیگر و روابط اصناف با مردم مرتبط بوده، به دقت مورد ملاحظه قرار گرفته است.

با وجود سادگی ظاهر و زبان، این مردم‌نامه‌ها از تأثیرگذارترین متون فارسی، چه در احترام بخشی به کار و تولید و منزلت بخشی به صاحبان کارهای سخت و چه گرامی داشت هم پیشگان، هم مسلکان و هم مذهبیان و در کل بشریت می‌باشند. فتوت نامه‌ها به شکل روانشناسانه و شگفت‌آوری بین کار، هنر، دین، اخلاق، عواطف، احساسات، تاریخ و تخیل و ناخودآگاه قومی پیوندهای عمیق ایجاد کرده و مخاطبان را در جهت کار و تلاش و احترام به فضایل اخلاقی و مردمان و بنی نوع دگرگون می‌سازند. آنها با شگردهای خاص، با عبور از ظاهر به باطن و از اعمال ساده و ابزارهای عینی و امور در دسترس و قابل دید، با نماد سازی و نشانه‌پردازی و پیوندهای خلاقه با اصول و مبانی و باورهای دینی، فلسفی و اخلاقی، مخاطبان را از سطح عادی افعال و اشیاء و کلمات، به معانی عمیق و پرررفا کشانده و چنان با هنرمندی و روانشناسانه بین این دو سطح پیوند زده‌اند که برای کار و تولید اقتصادی، پشتوانه‌های معنایی عظیمی از امور معنوی و کیفی فراهم آورده و هر گونه خطر از خودبیگانگی را از فضای کار و کوشش دور ساخته و با پالایش ذهن و روان، خستگی تن را نیز حتی المقدور زدوده‌اند و بدینگونه تصور منفی از کار آنچنان که در فرهنگ برده‌داری یونان و رُم و اشرافیت سلوکی - ساسانی و عرب متجلی شده بود را دگرگون کرده و از قرن‌ها قبل به آرزوی "شارل فوریه" درباره "کار دل‌انگیز" جامه عمل بپوشانند، و با نماد سازی و رازمندآمیزی کار، حتی ساده‌ترین و یکنواخت‌ترین آنها را معنادار، پیچیده و جذاب نمودند، و کار را از معنای گناه‌اولین و اجباری دور کرده، و آنرا به نردبانی برای آفرینندگی و تلاشی خودخواسته برای برشدن مبدل ساختند.

در پایان این نوشته با صحنه‌گذاری بر دگرگونی و کاستی شتابنده و تند شونده فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار در ایران و کشورهای مانند ایران، پرسش‌های جدید و تأمل برانگیزی برای رهایی از این وضعیت مطرح گردیده است.

پیشینه پژوهش و اهمیت کار

منابع کیمیا و ارزشمندی مربوط به پیشه‌وران فرهنگ تولیدی و کار (ارزش‌ها، هنجارها و وجدان کاری) در فرهنگ ایرانی در متونی گرد آمده و شکل گرفته‌اند که متأسفانه برای اغلب تحصیل کردگان و روشنفکران و حتی اساتید ایرانی - به ویژه جوانترها - به کلی ناشناخته‌اند. این دسته از متون برای شاخه‌های بسیاری از علوم اجتماعی همچون تاریخ اقتصادی و اجتماعی و اقتصاد و توسعه و جامعه‌شناسی کار و شغل و برخی حوزه‌های انسان‌شناسی، همچون انسان‌شناسی توسعه، انسان‌شناسی و انسان‌شناسی دینی و انسان‌شناسی دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی از سویی و ادبیات و دین پژوهی از سوی دیگر دارای اهمیت می‌باشد. ولی کمتر کسی از مردم‌شناسان ایران در دهه‌های گذشته به این مسئله توجه کرده که البته این مسئله تا اندازه‌ای هم طبیعی به نظر می‌رسد. هنگامی که انسان‌شناسی در ایران به مبرم‌ترین مسئله جامعه ایرانی یعنی توسعه و توسعه پایدار و محیط زیست و فرهنگ ملازم با آن

بی توجه بوده است. چه انتظاری است که به مسائل پیوسته و در پیوند با توسعه و از آن جمله مسئله کار و پیوستگان کار توجه کرده باشد، انگار در این زمینه ادبای ما از مردم‌شناسان ما پیش‌تر بوده‌اند.

برای مثال در کتابی در حوزه مردم‌شناسی ادبیات از یکی از پیشکسوتان مردم‌شناسی در ایران که بسیار نیز به ادبیات ایران علاقه‌مند بوده‌اند، نهد در مقدمه و نه در متن و نه در نمایه آن حتی نامی هم از فتوت نامه‌ها برده نشده است.^۱ چه رسد به نوکسوتان.

در کتاب **فرهنگ عامیانه ایران** که نیمی از آن مختص تاریخچه و منابع فرهنگ عامه ایران است نیز به این دسته از منابع مکتوب که دارای ارزش‌های فراوان مردم‌شناختی هستند اشاره نشده است.^۲

از مردم‌شناسان حرفه‌ای - تا اطلاع فعلی ما - تنها دکتر علی بلوکباشی در کتاب **در فرهنگ خود زیستن و...** در ذیل «فرهنگ عامه در آثار پیشینیان» از **فتوت نامه سلطانی** نام برده است.^۳

این مسئله در مورد ترانه‌های کار نیز نمایان است تا به حدی که اولین و دومین مقاله مستقل درباره ترانه‌های کار ایرانی و دلایل پیدایش و نابودی آن از آن نگارنده این سطور است،^۴ در حالیکه درباره ترانه‌های عاشقانه و شعر دلبر! به نسبت کارهای بسیار، و گاه تکراری به انجام رسیده است.

از آنجا که بنیاد فتوت نامه‌های اصناف ایرانی ریشه در خیزش عیاران و به ویژه پس از اسلام در ایران دارد، لازم است نخست به این آیین اشاره‌ای شود. سعید نفیسی می‌نویسد: «یکی از جنبه‌های بسیار جالب تاریخ اجتماعی ایران از رواج آیین جوانمردی یا فتوت و تشکیل جمعیت‌های جوانمردان یا "فتیان" است. دلایلی هست که بنیاد این آیین و مسلک اجتماعی در ایران پیش از اسلام گذاشته شده است... وانگهی در اواسط قرن دوم هجری که ایرانیان در گوشه و کنار و مخصوصاً در شرق ایران و بیشتر در سیستان و خراسان در برابر پیدادگری‌ها و تعصب قومی امویان و دست‌نشانده‌گانشان در ایران برخاستند راهنمای این جنبش‌های مردانه ملی بیشتر جوانمردان بودند. بزرگترین راهنمای این دسته ابو مسلم... خراسانی از مردم ماخان، در سرزمین مرو بوده است... از آغاز رواج طریقه تصوف در ایران که آن نیز پرخاشی در برابر همان عوامل بوده است بزرگان تصوف ایران همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عوام می‌دانسته‌اند و هر دو را با هم ترویج می‌کرده‌اند.» (نفیسی، ۱۳۵۴: ۲۲۵).

«... بسیاری از این بزرگان در برابر کتاب‌هایی که در تصوف به نظم و نثر تازی و پارسی نوشته‌اند، آثاری نیز در فتوت به نظم و نثر فراهم کرده‌اند و بیشتر آنها را "فتوت‌نامه" نام گذاشته‌اند. آیین جوانمردی و فتوت،

۱. نک به: محمود روح‌الامینی. **نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی**، تهران، ۱۳۷۵، نشر آگه.

۲. نک به: حسینعلی بیهقی. **پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران**، مشهد، ۱۳۶۷، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۳. علی بلوکباشی. **در فرهنگ خودزیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن**، تهران، ۱۳۸۸، نشر گل‌آذین،

ص ۸۲

۴. نک به:

- مرتضی فرهادی. «ترانه‌های کار، کارآوای فراموش شده استادکاران و کارورزان»، فصلنامه **علوم اجتماعی**، ش ۱۱ و ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹)، صص ۱۱۱-۱۴۴.

- مرتضی فرهادی. «ترانه‌های کار مشک‌زنی در روستاهای کمره»، فصلنامه **راه دانش**، ش ۹ و ۱۰ (بهار و تابستان ۷۶).

دوشادوش تصوف قرن‌ها در ایران رواج کامل داشته است و در میان عوام مؤثرترین وسیله بقای روح ملی ایران و قیام در برابر بیگانگان و ستمگران بوده است. آیین جوانمردی و فتوت ایرانی از این سرزمین به همه کشورهای اسلامی رفت و حتی تازیان دور از ایران با آن آشنا شدند و در رواج آن کوشیدند... بسیاری از سفرکردگان تازی در نواحی گوناگون آسیای غربی تا شمال آفریقا به مراکز فتوت برخوردند که معروف‌ترین آنها "ابن جبیر"^۵ و "ابن بطوطه"^۶ بوده‌اند. ممالیک سوریه و مصر نیز به این آیین گرویده بودند...» (نفیسی، ۱۳۵۴: ۲۲۶).

نفیسی در کتاب **خاندان طاهری** پیرامون پیشه‌وران ایران بعد از اسلام می‌نویسد:

«در آن زمان چون صنایع دستی در ایران ترقی فوق‌العاده کرده بود و همه کشورهای اسلامی به دستباف دست ساز ایرانیان احتیاج داشتند و کالای مهم عالم اسلام در آن روزگار مصنوعات ایران بود، پیشه‌وران و صاحبان حرف و صنایع در ایران بسیار ثروتمند و متنفذ شده بودند و جمعیت‌های صنفی تشکیل داده بودند، و دولت چاره نداشت که از ایشان حساب ببرد و به همین جهت رؤسای اصناف بسیار مقتدر بودند. از زمان سامانیان در میان برزگران و کشاورزان و پیشه‌وران ایران سازمان نیرومندی بود که ایرانیان به ایشان "جوانمردان" و تازیان "فتیان" و سازمانشان را فتوت می‌گفتند.» (راوندی، ۱۳۵۷: ۳۷۵).

«همین نفوذ فوق‌العاده پیشه‌وران بود که بعدها چند بار در ایران یک قسم حکومت پیشه‌وران تشکیل شد و رویگران سیستان به نام "صفاریان" در ۲۹۶ هـ. ق و ماهیگیران طبرستان به نام "آل بویه" در ۳۳۰ هـ. ق و سپس قصابان سبزوار به نام "سربداران"^۷، ... به سلطنت رسیدند.» (راوندی، ۱۳۵۷: ۳۷۵).

همان گونه که اشاره شد از سویی روابط نزدیکی بین اهل تصوف و اهل فتوت وجود داشته است و از سوی دیگر اهل فتوت، کشاورزان و پیشه‌وران روستایی و شهری بوده‌اند که غالباً با نام‌های صنف و "اصحاب حرف" و ارباب صناعت نامیده می‌شده‌اند.^۸

بنابر منابع موجود آیین فتوت به تدریج از مقاصد سیاسی و عیاری به سمت مقاصد و اهداف صنفی پیش رفته است. استاد محمد جعفر محجوب در مقدمه ۱۰۷ صفحه‌ای و محققانه خود بر کتاب **فتوت نامه سلطانی** در حدود چهل سال پیش می‌نویسد:

«پس از انقراض خلافت عباسی و به طور خلاصه بعد از قرن هفتم هجری آیین فتوت راهی دیگر برای خود برمی‌گزیند... فتوت تصوفی است عوامانه که راه و رسم‌های آن ساده و عملی و در خور فهم پیشه‌وران و صنعت‌گران و کشاورزان و خلاصه عامه مردم است. از همین روی کاشفی "علم فتوت" را شعبه‌ای از علم "تصوف" خوانده است.» (محجوب، ۱۳۵۰: هفتاد و دو).

^۵ . سفرنامه ابن جبیر به فارسی ترجمه شده است. نک به: محمدبن احمد بن جبیر. **سفرنامه ابن جبیر**، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، ۱۳۷۰، آستان قدس رضوی.

^۶ . همچنین سفرنامه مفصل دو جلدی ابن بطوطه. **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، ۱۳۵۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

^۷ . درباره خروج سربداران خراسان که از لحاظ وسعت بزرگترین و از نظر تاریخی مهمترین نهضت آزادی بخش خاورمیانه بود نک به: پطرونفسکی. «نهضت سربداران در خراسان»، ترجمه کریم کشاورز، **فرهنگ ایران زمین**، جلد دهم (۱۳۴۱)، به کوشش ایرج افشار، صص ۱۲۴-۲۱۶.

^۸ . درباره اصناف در ایران و کشورهای اسلامی نک به:

دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹ (اشتب - البیره)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۹، صص ۲۷۱-۲۷۹ و منابع آن از مهدی کیوانی.

پدید آمدن، رواج و رونق یافتن فتوت بر اثر جریان‌های اجتماعی خاصی بود که ارتباطی با ظهور دولت عباسی یا انقراض آن نداشت و فقط در یک دوران کوتاه، دولت عباسی منفعت خود را در همراهی با گروه جوانمردان یافت و خود را در لباس جوانمردان فرامود و خلیفه بر روی دستار و ردای خلافت "سراویل"^۹ فتوت پوشید... اما در هر صورت وابستگی فتیان با دستگاه خلافت چندان نبود که بنای جوانمردی، پس از برداشته شدن... حمایت دولت... یک سره فروریزد و نابود شود، برعکس، چون این جریان فکری در میان مردم ساده‌کوجه و بازار طرفدار و هواخواه داشت، گر چه رفته رفته و به تدریج سرانجام از محیط سیاست بیرون آمد و باز در میان طبقات گوناگون توده‌های خلق، همان‌ها که این آیین زاینده شور، اشتیاق، صفا، صداقت و استقبال پرشور ایشان... بود، پناهگاه خویش را بدست آورد. در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری که حسین واعظ فتوت نامه سلطانی را می‌نویسد در آن از دلیری و جنگاوری و مبارزه طلبی جوانمردان سخن نمی‌گوید. در نظر کاشفی فتوت رسم و آیینی است که افراد هر طبقه و هر صنف، باید آداب و رسوم و قسمت‌هایی از آن را که در خور ایشان است فراگیرند و بدان عمل کنند. در این کتاب کاشفی... درباره فتوت هر یک از قشرهای اجتماعی از معرکه‌گیران و قصه‌خوانان گرفته تا پهلوان پیشگان و زورگران، ناصره‌کشان^{۱۰}، حمالان، سقایان، قصابان، سلاخان، خراشان^{۱۱}، درودگران، بنایان و آهنگران و جز آنان سخن گفته... و راه و رسم و آداب و ترتیبی را که هر یک از این صنف‌ها، برای سلوک بهتر با مردم باید بدانند و عمل کنند را گوشزد ایشان کرده است. بدین ترتیب می‌بینیم که رفته رفته از میزان دخالت فتیان در امور سیاسی و کارهای مملکت داری کاسته می‌شود و فتوت به صورت آیین صنفی در می‌آید.» (محبوب، ۱۳۵۰: هفتاد و هفت و نه).

«... این تحول در تمام فتوت نامه‌هایی که به زبان‌های فارسی و عربی در دست است دیده می‌شود. برخی از این فتوت نامه‌ها رساله‌هایی هستند کوچک، که گاه حاوی کلیاتی درباره آیین تصوف و خلق و خوی و روش سلوک جوانمردان است، و گاه فقط درباره فتوت یکی از صنف‌ها می‌باشند» (محبوب، ۱۳۵۰: هفتاد و نه).

اغلب کسانی که درباره اصناف و همچنین موضوع جوانمردان در ایران پرداخته‌اند، هم ریشه اصناف و هم فتوت را در پیش از اسلام دانسته‌اند:

«درباره منشأ اصناف اسلامی... برخی آن را گرده برداری از روی تشکیلات صنفی ساسانی - بیزانسی می‌دانند... پس از پیروزی اعراب بر ایران و بخش‌هایی از قلمرو روم شرقی، اصناف ساسانی - بیزانسی این نواحی فرصتی یافتند تا با پذیرفتن مقررات اسلامی به عنوان نهاد مدنی نیمه مستقل در فضای جدید فعالیت کنند... برخی دیگر منشأ اصناف اسلامی را در تبلیغات گروه‌های مخفی و آشکار باطنی مذهبان و قرمطی مسلکان می‌دانند که بر ضد خلفا و برخی تمایلات قوم پرستانه آنان و نیز طبقات ثروتمند حکومتگر دست به مبارزه‌ای خشونت‌آمیز زده بودند.» (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۲).

اما به نظر می‌رسد که این دو نظر غیرقابل جمع نیستند و درست‌تر آن است که آنها را دنباله طبیعی هم بدانیم.

^۹ . سراویل: شلوار یا جامه. در اینجا جامه و لباس ویژه فتوت.

^{۱۰} . ناصره:

^{۱۱} . خراشان: خراشنده. معنای دقیق آن بدست نیامده. شاید خرامش به معنای خراو (خراط) و یا کسانی باشد که بیخ گیاهان را تیغ می‌زنند مانند کتیرازنان و سفرگیران.

«فلسفه ایران باستان فلسفه مبارزان است، اهورا مزدا و اهریمن دو قطب این فلسفه را تشکیل می‌دهند، نور و ظلمت از کهن‌ترین اندیشه‌های آریایی است، توجه به این دو عامل مشی اجتماعی ایرانیان بوده و در تمام آثار بازمانده گرایش به سوی نیکویی و خیر و مخالفت با شیطان و اهریمن به وضوح دیده می‌شود.» (صراف، ۱۳۷۰: ۶).

چیزی که هست این مبارزه در شرایطی رو به بیرون دارد و خود را در کوشش اصلاح حکومت و سیاست باز می‌یابد و در شرایطی که به دلایل گوناگون توان و یا ضرورت اصلاح در کل و در خارج را نمی‌بیند درون سویه شده به شخص و یا به گروه‌ها و جماعت‌های کوچکتر باز می‌گردد، که اگر چه دامنه آن بسیار محدودتر است اما اگر حقیقتاً بخواهد عمل شود، به هیچ وجه آسانتر نیست.

استاد سعید نفیسی بنیاد فتوت را در ایران پیش از اسلام دیده است:

«دلایلی هست که بنیاد این آیین و مسلک اجتماعی در ایران پیش از اسلام گذاشته شده است زیرا که بسیاری از افکار مانویان در آن راه یافته است.» (نفیسی، ۱۳۵۴: ۲۲۵). آنچه که این نویسندگان اشاره می‌کنند کاملاً طبیعی است، بر خلاف نظر برخی از تحصیل‌کردگان ایرانی باید گفت که در پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی خلق‌الساعه وجود ندارد. از این گذشته دلایل پیدایش اصناف و پیوند و پیوستگی آن با تصوف و فتوت هر چه که باشد یک مسئله مهم از نظر مردم‌شناسان توسعه و جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان کار و شغل دور مانده است، و آن این است که از آمیزش ضروریات و تجربیات فرهنگی چند هزار ساله ایران و اسلام، در آیین فتوت پیشه‌وران ایرانی، مکتبی جامع به وجود آمده است که از نظر ارج نهادن به کار، نوع دوستی و طبیعت دوستی^{۱۲} و همکاری، قابل مقایسه با هیچ مکتب و مسلکی در زمینه کار و تقدم منافع جمع و جامعه بر فرد و دلخواسته‌هایش نیست؛ مکتبی که به کار تنها از منظر اقتصاد و اقتصاد سیاسی نگاه نمی‌کند، بلکه به دنبال اقتصاد اجتماعی و اقتصاد روانی و زیباشناسی و اخلاق و تبلور دینداری در کار نیز هست.

توانایی و تأثیر مکتب فتوت در ارتباط با کار به دلیل شیوه‌های بهره‌گیری بهینه از "پتانسیل فرهنگی"^{۱۳} بالایی بوده است که بیشترین قابلیت در کسب سرمایه اجتماعی و گسترش اعتماد اجتماعی را هم در بین همکاران (هم‌پیشگان) در یک صنف و هم بین صنوف گوناگون و هم در میان آنها و طالبان و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات این اصناف را داشته است.

اگر مهمترین هدف فتوت نامه‌های صنفی ارج نهادن بسیار ویژه به کارها حتی ساده‌ترین و ظاهراً کم‌قدرترین آنها و ایجاد منزلت اجتماعی برای آنها بوده است. اکنون این پرسش به وجود می‌آید که: این مبارزه اجتماعی از چه ضرورت یا ضرورت‌هایی سرچشمه می‌گرفته است؟

و شیوه رسیدن به هدف‌های اصلی و فرعی این حرکت چه بوده است؟

^{۱۲} . در فتوت نامه‌ها گاه دایره مهربانی از خانواده و صنف و جامعه نزدیک فراتر رفته و مشمول محبت حتی از بنی نوع (آدمیان) در می‌گذرد به عالمیان (جهانیان باشندگان) می‌رسد. بیهوده نیست که کشاورزان قدیمی ایرانی در عصر سوداگری و رقابت هنوز نیز نه تنها برای خود که برای چرندگان و پرندگان و باشندگان (عالمیان) می‌کارند. [مندم].

^{۱۳} . درباره پتانسیل فرهنگی نک به: مقدمه انسان‌شناسی یاریگری، صص ۶۹-۸۹.

ما جایی دیگر دربارهٔ محور اصلی اندیشه های فلسفی، مذهبی و اجتماعی ایرانیان دربارهٔ کار سخن گفته‌ایم.^{۱۴} اما دانسته است که بر خلاف جامعهٔ یکپارچه، جامعه منقسم، از نظر اندیشه نیز یکپارچه نبوده و مناسب با تقسیم‌بندی‌های موجود دو یا چند سنخ از اندیشه در آن وجود داشته زیرا مبارزهٔ فلسفی و اقتصادی - اجتماعی، در دنیای اندیشه نیز خود را باز می‌یابد. افزون بر این جامعهٔ ایرانی از کهن‌ترین زمانها جامعهٔ بسته‌ای نبوده و از دور دست‌های تاریخی دائماً با جوامع و تمدن‌های دیگر نیز برخورد داشته و از آراء آنها متأثر می‌شده است، که مؤثرترین برخوردها در زمینهٔ مورد نظر ما در این نوشته برخورد با تمدن یونان باستان به ویژه پس از حمله اسکندر به ایران و در دوران سلوکی - اشکانی بوده است.

از آنجا که ما دربارهٔ عوامل مؤثر فرهنگی - تاریخی معارض با فرهنگ تولید و کار در نوشته‌ای جداگانه سخن گفته‌ایم در اینجا تنها فهرست وار به این عوامل اشاره خواهیم کرد و در آن نوشته دربارهٔ خوارداشت کار در فرهنگ عصر برده‌داری یونان و رُم سخن گفته‌ایم.

تأثیرات منفی این برخورد فرهنگی بزرگترین ضربه را به ارزش کار در سرزمین کار دوست و کاربر و کارخواه ایران زده است و پس‌لرزه‌های زیانباری در این زمینه به وجود آورده است.

نخستین عامل مؤثر در تضعیف فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار در ایران پیامدهای حمله اسکندر و ورود نظام اشرافی از نوع برده‌داری آن و تبعات و پیامدهای فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی آن در شکل‌گیری نظام کاستی عصر ساسانی و توسعهٔ فرهنگ اشرافی آن بوده است.^{۱۵}*

همانگونه که در صفحات قبل آورده شد اگر چه اسلام اصالتاً با بهره‌کشی و طفیلی‌گری و اشرافیت و قوم‌مداری در تضاد قرار داشت؛ اما خلفای اموی و عباسی و اشراف نوحاسته و نوحواستهٔ عرب، اشرافی‌گری را با قوم‌مداری و عرب‌محوری و تعصبات عصر جاهلیت در هم آمیخته و عرصه را بر کار و منزلت اجتماعی پیشه‌وران تنگ نمودند.

ما این فراز و نشیب‌ها را دنبالهٔ تسلط و تبعات یورش عظیم اشرافیت و فرهنگ برده‌داری و ضد کار یونانی پس از حمله اسکندر به ایران می‌دانیم که با تشدید فرهنگ اشرافیت عصر ساسانی و بازتولید آن در اشرافیت همراه با تعصبات و خشک‌اندیشی‌های اشراف عرب، هم جهت شده و مسائلی را پدید آورده که سبب بروز نهضت‌های

^{۱۴} . نک به:

مرتضی فرهادی. «کار در اندیشه و آیین‌های ایران»، فصلنامهٔ علوم اجتماعی، ش ۵۵

^{۱۵} . «... در این زمان (ساسانیان) اشرافیت سخت توسعه یافت و زندگی اشرافی بیش از همهٔ ادوار رونق گرفت و تجمل و دم و دست‌گاه یافت. حتی تقسیم‌بندی سنتی و قدیمی نتوانست احتیاجات زمان را مرتفع کند و عنوانهای جدید و طبقات تازه‌ای پیدا شد.» [بی‌نا، تاریخ و شرایط کار در ایران، تهران، ۱۳۵۰، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، نشریه شماره ۲، صص ۵۸ و ۵۹].

«... درین جامعه (ساسانیان) بین طبقه اشراف و نجبا با طبقهٔ عامه جدایی بسیاری بود. این اشراف و نجبا از عامهٔ مردم بر حسب تعبیر نویسندهٔ نامه تنسر، "به لباس و مرکب و سرای و دبستان و زن و خدمتکار" ممتاز بودند. مردان این طبقه از مردان پیشه‌ور و کارگر به "لباس و مراکب و آلات تجمل" شناخته می‌شدند و زنانشان از زنان آنها "به جامه‌های ابریشمین و قصرهای منیف و... و کلاه و صید" امتیاز داشتند.» [عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران پس از اسلام، تهران، ۱۳۶۸، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۶۱].

* . دربارهٔ عوامل و پاگردهای دیگر در این زمینه نک به: مرتضی فرهادی، «چون و چراهای فروگشت فرهنگ کار در ایران».

فتوت و جوانمردی پیشه‌وران در ایران گردیده است که در برابر چنین حکومت‌هایی ایستاده و با آن به شکل‌های گوناگون مبارزه می‌کرده‌اند.

گفتنی است که در جبههٔ مقابل، تفکرات ضد کار حتی در شاخه‌هایی از تصوف نیز رسوخ نموده بود.^{۱۶} که آنها را از درون نیز با چالش‌هایی روبرو می‌کرد.

شیوه‌های تبلیغی فتوتیان را از لحاظ نظری در رسایل جوانمردان (فتوت‌نامه‌ها) و از لحاظ عملی در شیوه و عملکرد اصناف ایرانی می‌توان دید. در اینجا به آموزه‌ها و شیوه‌های تبلیغی و ترویجی این رسایل اشاره خواهیم کرد.

مؤلف از چند دههٔ گذشته که به شکل جدی‌تری درگیر مسائل پیوسته با توسعه شده است، هیچ متنی را مؤثرتر از این رسائل صنفی در منزلت بخشی به کار در ایران ندیده است و این نشان می‌دهد که این رساله‌های صنفی در زمان خود تا چه اندازه پیروان جوانمردی را تحت تأثیر خود داشته‌اند.

همچنین و پیش از تألیف این رساله‌ها نفوذ فوق‌العاده پیشه‌وران شهری و روستائیان در زمان خلفای عباسی و پس از آن نشان می‌دهد که تعلیمات جوانمردان و عیاران چنان مؤثر و بهنگام بوده که توانسته به کارورزان و پیشه‌وران چنان منزلتی بدهد که مردم نواحی گوناگون ایران به رهبری آنها با دل و جان گردن نهند. توجه به پیشینه رهبران شورش‌ها و قیام‌های مردمی در عصر خلفای اموی و عباسی نشان دهنده موفقیت این آموزه‌ها در میان توده‌های مردم ایران بوده است.

ابومسلم نخست برده بود. پیروان استاد سپس همگان روستایی بودند. بابک خرم‌دین در جوانی چوپانی می‌کرد و بعداً پیشه‌ور شد و فرزند روغن فروش بود. یعقوب لیث صفار، نخست چاروادار بود و بعد رویگر شد و عمرو برادر او چاروادار بود. (تاریخ و شرایط کار در ایران، همان، صص ۶۸-۷۰)

این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که تعلیمات (منش، گویش و روش) آنها چنان بوده است که توانسته منزلت و شرافت را به کار و کارورزان حتی ساده‌ترین و ظاهراً پیش پا افتاده‌ترین آنها، بازگرداند و شور و عشق را وارد کسب و کار کند؛ که از کار به قول "شارل فوریه" کار دل‌انگیز بسازند (شارل ژریست، ۱۳۷۰: ۳۸۷). آنها بر این باور بودند که: «از هر کار معشوقه توان ساختن و عشق را در هر شغلی توان بردن» (راوندی، ۱۳۵۷: ۳۵۴).

اشاره شد که اولین تعلیم اهل فتوت و فتوت‌نامه‌های صنفی ارزش بخشی به کار و مبارزهٔ جانانه با "خوار دانستن" هر نوع کار مفید و مباحی می‌باشد. آنها به درستی پیش از دانشمندان جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی دریافته بودند که پایه بسیاری از ستمکاری‌ها این است که عده‌ایی بدون کار کردن بتوانند به راحتی زندگی کنند: «اساس ظلم و از حد درگذشتن، بیکار بودن است» (راوندی، ۱۳۵۷: ۴۰۷).

واعظ کاشفی سبزواری نویسنده **روضه الشهداء** - هم عصر شاه اسماعیل صفوی - در فصل اول **فتوت نامه سلطانی** در معنای کرم می‌نویسد:

^{۱۶}. «ابوالفرج اصفهانی دربارهٔ ابوالعناهی می‌گوید که او به وعید و تحریم مکاسب قائل بود... و متقشفه و کرامیه کسب و وضع مال را حرام می‌دانند» [مرتضی راوندی، همان منبع، ص ۳۶۱].

«اگر پرسند که اصل طریقت چند چیز است؟ بگوی سه چیز: دَم و قَدَم و کَرَم. اگر پرسند که هر یکی چه معنی دارد؟ بگوی دَم یعنی دم در کشیدن از ناگفتنی‌ها، و قدم یعنی قدم نهادن در نـاکردنی‌ها، و کـرَم یعنی کـارکن و در کار کن*...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۰). «اگر پرسند که واجبات طریقت چند است؟ بگوی شش: اول آموختن از علم شرع... دوم علم را به عمل رسانیدن... سیم با خلق خُلق ورزیدن، چهارم ریاضت کشیدن، تا آیینۀ دل به صیقل مجاهدت روشن گردد...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۲).

در همین فصل در توضیح و تمثیل جالبی از "ابجد" ^{۱۷} طریقت از ابزار و وسایل کشاورزی و مراحل کار کشت غله برای عینی کردن معانی ذهنی و تجربیدی استفاده کرده تا اهل کار و تولید آنرا بهتر درک کنند و در ضمن به شکل غیرمستقیم ترکیب واژگان زمین، تخم، بیل، بیل زدن (شورانیدن)، آب، داس، طناب، قوتِ بازو، خرمن، خرمن کوبیدن، کیله، آسیاب، خمیر، تنور و طبق و... و ترکیب آنها با معانی ارزشمند، ناخواسته آن ارزش‌های متعالی را در ذهن خواننده با این عناصر و ابزارها گره بزند؛ و میان مراحل کار عینی و فیزیکی و معانی واژگان اخلاقی، معنوی و مذهبی تداعی برقرار سازد. نظیر ترکیبات اضافی و شعر گونه "بیل مجاهدت"، "تخم محبت"، داسِ ریاضت، طناب توکل، بازوی تقوی و غیره.

«اگر پرسند که ابجد (الفبا) صغیر [طریقت] کدام است؟ بگوی... چهارده کلمه است:

اول خود را به تواضع زمین ساختن، دوم به بیل مجاهدت شورانیدن، سیم تخم محبت در آن پاشیدن، چهارم به آب معرفت پرورانیدن، پنجم به داس ریاضت درویدن، ششم به طناب توکل به خرمنگاه قناعت کشیدن، هفتم به قوت بازوی تقوی خرمن را خرد کردن، هشتم به مدد صبر دانه از کاه جدا ساختن، نهم به کیله ^{۱۸} محبت پیمودن، دهم به آسیای رضا آرد ساختن...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۵).

در همین فصل در ارتباط میان شریعت و طریقت و حقیقت آمده است:

«شریعت روش است و طریقت کوشش است و حقیقت بینش است.» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۷).

*. "در" گاه اتصال و کثرت را رساند... مانند پشت در پشت [لغت نامه دهخدا، حرف د، ص ۳۰۴] شاید این جمله نیز به معنای کارکن و کارکن باشد. همچنین ممکن است معنای این جله این باشد که نتایج کارهای پیشین را، چه از منظر نتایج اقتصادی و چه از نظر کسب مهارت و تجربه، در کارهای بعدی سرمایه‌گذاری کن و به کار ببر.

^{۱۷}. «نام اولین صورت از صور هشت گانه حروف جمل و این ترتیب حروف الفبای مردم فنیقه بوده...: ابجد، هوز، حطی، کلمن، معفص، قرشت، ثخذ، ضطغ» [لغت نامه دهخدا، حرف "ا"، ص ۲۴۹].

«...ترکیب ۴ صامت نخست از صامتهای بیست و دوگانه سامی - عربی که از باب اختصار بر ترتیب کهن الفبای عربی اطلاق شده است. از زمانی که در کنار خط‌های شکل نگار (مصری) و الفباهای هجایی (میخی شرقی) الفبایی مرکب از حروف صامت یافت شده با ۲۲ حرف از حروف ابجد آشنا شده‌ایم، اینک با توجه به کشفیات اخیر، شاید بتوان گفت که الفبای خط اوگاریتها (آثار رأس شمره در شمال سوریه) نخستین الفبایی است که تاکنون شناخته شده است. این کتیبه‌ها به اواسط هزاره ۲ ق.م. متعلق است...» [آذرتاش آذرنوش. «ابجد»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، تهران، ۱۳۷۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ص ۳۶۰].

^{۱۸}. کیله، ظرفی که با آن گندم را توزین کرده و تقسیم می‌نمودند. از آنجا که گندم و برنج در فرهنگ ایرانی مقدس بوده‌اند، آنرا به شیوه معمولی وزن نمی‌کرده‌اند و به جای آن کیل می‌زده‌اند. در این باره نک به: مرتضی فرهادی. «مختصات شیئی مقدس و اصل همربایی قطب‌های همنام»، نمایه پژوهش، ش ۷ و ۸.

در فصل چهارم از باب اول در پرسش از شریعت و طریقت فقر آمده است:

«اگر پرسند که شریعت فقر چیست؟ بگوی حمل (تحمل) بار خلق.

اگر پرسند که طریقت فقر چیست؟ بگوی کسب حلال» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۵۵).

در فصل چهاردهم از باب پنجم کتاب فتوت نامه کاشفی در مقدمه آداب کسب مطالبی می‌آورد که امروزه ما را به یاد سلسله نیازهای "مازلو" می‌اندازد،^{۱۹} با این تفاوت که مازلو راه رسیدن به ارضاء آن نیازهای آدمی را باز نگفته و تنها آنها را دسته‌بندی کرده اما نکته جالب‌تر در این جا، بیان کاشفی است که با تکیه بر کار و کوشش، شیوهٔ پسندیده دستیابی و عبور از نیازهای پایه تا خودشکوفایی از نوع جوانمردی و فتوت را نیز بازگو کرده است:

«بدان که درویش را کسب حلال ضرورت است... و در ذریعه آورده است که کسب دنیا اگر چه از مباحات معدود است من وجهی فاما از واجبات نیز توان شمرد، به وجهی دیگر، برای آن که انسان را برای طاعت و شناخت آفریده‌اند... و اشتغال به عبادت وقتی میسر است که خاطر را فراغتی باشد... و فراغت خاطر آن زمان دست دهد که ضروریات معاش زایل گردد... و چون از ازاله ضروریات تمام میسر نشود، الا به آن که رنجی بر مردمان نهد، پس لابد است که رنجی نیز از ایشان بکشد... و هر که منفعت گیرد و منفعت نرساند* به قول خدای تعالی کار نکرده باشد که فرموده است [و تعاونو علی البر و التقوی] پس هر که از درویشان به کسبی مشغول نباشد بار خود را به گردن مردم نهاده باشد^{۲۰} (و سبب) رنج عالمیان شده و آن در طریق روا نبود...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۶۱).

«و اگر پرسند که آداب مجموع کسب‌ها علی‌الاجمال چند است؟ بگوی هشت:

اول آن که کسب خود را از مال حرام و شبهت پاک دارد... پنجم در حرفت خود کار معیوب و روی کشیده نکند و از غل و غش دور دارد...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۶۱).

بدین ترتیب تا پایان فصل چهاردهم دربارهٔ کلیات اهل فتوت است و از فصل پانزدهم کتاب دربارهٔ ارباب حرفه‌ها به شکل خاص تری سخن گفته شده است. دربارهٔ خادمان (خدمتگزاران)، در باب معرکه‌گیران، در باب سقایان، در بیان قصه خوانان، در باب اهل زور که خود هشت طایفه‌اند: کشتی‌گیران، سنگ‌گیران، ناوه‌کشان، سله‌کشان، حمالان، مغیرگیران و رسن بازان، در باب اهل قبضه که ۱۳ طایفه‌اند: نظیر قبضهٔ بیل و قبضهٔ نیام (هیام) که هر دو قبضه از آن دهقانان و پهلوانان است، قبضهٔ ماله که از آن بنایان است و قبضه داس که از آن دروگران است و

^{۱۹} . دربارهٔ "آبراهام مازلو" و مثلث نیازهای او و همچنین مثلث نیازهای "جان کیچ" نک به مقدمهٔ صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن (درآمدی بر انسان‌شناسی توسعهٔ پایدار). و همچنین نک به فصل یازدهم (آبراهام مازلو) در: دوان شولتز؛ سیدنی آلن شولتز. نظریه‌های شخصیت، ترجمهٔ یحیی سید محمدی، تهران، ۱۳۸۳، نشر ویرایش، صص ۳۳۷-۳۶۴.

* . واعظ کاشفی در اینجا به نوعی از یاریگری یعنی "همیاری" و یا کمک معوض و مبادلهٔ تأخیری نظر دارد و در واقع همچون اصحاب مکتب مبادله، جهان را سراسر مبادله می‌بیند. دربارهٔ "همیاری" و انواع آن و فرق آن با خودیاری و دگریاری نک به: انسان‌شناسی یاریگری، فصل هفتم (گونه‌شناسی یاریگریها...) صص ۳۱۵-۳۷۵.

^{۲۰} . اشاره به جملهٔ سخت صریح، مؤلد و روشن و هشدار دهندهٔ پیامبر اکرم (ص) به سربازان اجتماعی:

«مَلْعُونٌ، ملعون من ألقى كَلْمَةَ عَلِي النَّاسِ» (رانده از نیکی و رحمت است، رانده از نیکی و رحمت است، آن که خود را سربار دیگران کند.) [مصطفی دلشاد تهرانی]. «اخلاق کاری در سیرهٔ نبی»، نامهٔ پژوهش، ش ۵ (تابستان ۱۳۷۶)، ص ۱۲.

قبضه تیشه و آره که از آن درودگران است و قبضه کمان نداف و این از حلاجان و نمدمالان است و غیره (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۴۸-۳۴۷).

ما از این بخش تنها برای نمونه اشاره‌ای به دو صنف سقایان و دیگری حمالان می‌کنیم که امروزه به نظر می‌آید قاعدتاً نبایستی مورد عنایت جامعه سنتی ما بوده باشند تا شیوه بازنمایی کار اصناف و اهل پیشه در این فتوت نامه و دیگر فتوت نامه‌ها آشکار گردد.

گفتیم در فتوت نامه‌ها هر شغل و کاری حتی ساده‌ترین آنها به شکلی نمادین و رازآمیز می‌شود که از اصل زیستی و عینی خود بسیار فراتر رفته و چنان در هاله‌ای از تقدس قرار گرفته و قالب‌های کار بدنی سرشار از معانی اخلاقی و انسانی می‌شوند که هر خواننده اهل دل و اندیشه را به تفکر واداشته و مشتاق چنان کارها کرده و به غبطه وامی‌دارد.

شیوه کار در این رساله‌های جوانمردان به گونه‌ای است که به قول روانشناسان، ما را به "اندر یافت موضوع"^{۲۱} می‌کشاند، شیوه کار این نویسندگان به گونه‌ای است که برای اصحاب هرمنوتیک و نشانه‌شناسان هم می‌تواند جالب و گاه شگفت‌آور باشد.

این رمزگذاری و رازپردازی و تأویلات تصعیدی رازمند، نه تنها شامل کار و عامل و کننده کار (کارورزان و استادکاران) که حتی شامل اشیاء کار و اسماء آنها نیز می‌گردد، و بر خلاف روزگار ما و عصر سوداگری که به قول دورکیم روزگار تقدس زدایی از همه چیز و همه جا و راندن همه مسائل در عرصه اقتصاد غیرمقدس است^{۲۲}، مکتب جوانمردان در عصر خود در پی آن بوده است که جوهر و کانون اقتصاد را به فضایی قدسی تبدیل نماید و از کار و کوشندگی نردبان نجات بسازد.

آیین فتوت در طی چند قرن توانسته بود که انگاره و کهن‌الگوی اشرافی ضد کار هلنی، ساسانی و عربی از کار و کارگر و ابزار کار را زدوده و بر پایه‌های بنیادی فلسفه و فرهنگ ایرانی - اسلامی پیشینه جامعه، از این عوامل و عناصر انگاره‌ها، تصویرهای ذهنی و عینی جدیدی به وجود آورد که هنوز نیز خواننده آیین شناس و درد آشنا را در روزگار ما تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در فرهنگ و اساطیر ایرانی، بین اغلب کارها و اختراعات بنیادی و پادشاهان بزرگ و اسطوره‌ای پیوندی عمیق برقرار بوده است، این پیوند و تکرار و بازتولید آن در طی قرن‌ها تداعی‌های ناخودآگاهانه‌ای را در ذهن ایرانیان پایه‌ریزی کرده است که با زندگی و فرهنگ و فره ایزدی پیوند خورده است. پس از اسلام بر پایه اصل همربایی قطب‌های همنام، (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۱). ترجمان این اساطیر با همان کارکرد اما با قرائتی نوین و قدرتمند در آیین جدید و اسطوره‌های دینی و مذهبی و طریقتی نوین بازتولید شده است.

^{۲۱} «Apperception: اندریافت (ادراک باطن). الف- محتویات یا مضمون شعور را به طور واضح ادراک کردن. ب- عمل مربوط به ساختن موضوع ادراکی تازه به تجربه یا ادراک پیشین و ارزشیابی آن از لحاظ همین تجربه است» [علی‌اکبر شعاری‌نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، ۱۳۶۴، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۰].

^{۲۲} درباره "مقدس" و ضد آن "نامقدس" و قسمت حایل بین این دو "نه مقدس و نه نامقدس" نک به: مرتضی فرهادی، «مختصات شیئی مقدس و اصل همربایی قطب‌های همنام»، نمایه پژوهش، شماره ۷ و ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷) و منابع آن. و یا در کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۴۱، دوره سوم.

اولین چیزی که در این فتوت‌نامه‌ها چشمگیر است همین مسئله یعنی نسبت دادن یکایک کارها و مشاغل به پیامبران و اولیاءالله و اقطاب و پیران و پیشکسوتان نامی است.

دکتر محمدجعفر محجوب ۱۳۰۱-۱۳۷۴ ادیب و استاد بنیان‌گذار کرسی "ادب عوام" در دانشکده هنرهای درماتیک.^{۲۳*} که جزء نخستین کسانی است که به ارزش این فتوت‌نامه‌ها پی برده است و در معرفی و نشر آنها دست یازیده است. در مقدمه کسب نامه نعلین دوزان می‌نویسد:

«مطالب اصلی و جان کلام این رساله که کم و بیش شبیه هدف اصلی سایر رساله‌ها نیز هست، مقاصد ذیل است:

اول آراستن آن شغل در نظر کارگر و بر حذر داشتن او از خوار شمردن کار خویش یا خارج شدن از اصول اخلاقی و توجه نکردن به خوبی و بی عیب بودن کار.

برای این منظور می‌کوشند تا برای هر شغل پیری و پیشوایی از میان پیامبران یا صحابه رسول اکرم (ص) بیابند و حرفه را نخست بار بدو نسبت دهند تا بدین ترتیب مشروعیت آن حرفه با توجه به پاکان و نیکان بدان، تأمین شده باشد...» (محجوب، ۱۳۸۳: ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳).

«خوار داشتن این هنر عواقب وخیم دارد... موزه‌داری^{۲۴} از حضرت صالح پیغمبر علیه‌السلام بازمانده...» (محجوب، ۱۳۸۳: ۱۱۸۳).

«... منقول است که از جمیع هنرها این هنر پاکیزه‌تر است و هر که این هنر را خوار بیند و خوار دارد... خوار شود و هرگز برکت نیابد. اگر کسی استادی موزه‌دار و استادی چرم‌گر را حقارت کند... به آن شخص چهل دره^{۲۵} لازم می‌شود به قول علمای شریعت و سالکان طریقت...» (همان: ۱۱۹۵).

«اگر پرسند که موزه دوزی فرض است یا واجب است یا سنت است؟ جواب بگو که خدای تعالی فرمود فرض^{۲۶} شد، جبرئیل فرمود واجب شد و حضرت صالح فرمودند سنت شد...» (همان: ۱۱۸۲ و ۱۱۹۸).

^{۲۳} درباره استاد محجوب نک به: هوشنگ اتحاد. پژوهشگران معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۷، فرهنگ معاصر، جلد دوازدهم (عبدالحسین زرین‌کوب، محمدجعفر محجوب)، ص ۴۲۹.

* دکتر محمدجعفر محجوب، استاد برجسته ادبیات ما در دانشکده روستایی مامازن بود که اینجانب در مقدمه کتاب واره به آن دانشکده تأمل برانگیز اشاره کرده‌ام و ماهنامه دانشکده که بعداً نام دفتر روستا یافت با مصاحبه و مقالات اساتیدی همچون وی پر بار می‌شد. اما اکنون پس از چهل و چند سال پژوهش و نوشتن می‌بینم برای نخستین بار است که قدر و قیمت برخی از کارهای وی را به درستی فهم کرده و به نوشته‌ای از وی اشاره می‌کنم: و احساس می‌کنم که در جامعه آزارمند ما با تب‌های تند و سیاست‌زدگی‌های هذیان‌آور گوناگون، چه مظلوم‌اند اساتیدی که در اعماق آبهای این مرز و بوم در غواصی‌های سخت نفس گیرند. آنها در زیر پای کف‌های پیاپی به اتهام فاصله‌گذاری و دوری‌گزینی از سطح نمایان سیاست اگر از همه سو مورد جفای بی‌اعتنایی قرار نگیرند، که می‌گیرند، دست کم دیده نمی‌شوند و دقیق‌تر آنکه دیر دیده می‌شوند و در این میان می‌اندیشم که گناه دانشجویان محجوب و یکی از آنها خود من بیشتر از دیگران بوده است. در پایان این خود ملامت‌گری بگذارید به دو اثر وی در آن ماهنامه روستایی که ممکن است از چشم پژوهشگران دورمانده باشد اشاره کنم:

- «داستانهای عامیانه، گفتگو با دکتر محمدجعفر محجوب، ماهنامه دانشجویان دانشسرای عالی مامازن، س ۲، ش ۱ (آذر ماه ۱۳۴۷)، و شماره ۲ (دیماه ۱۳۴۷).

- «افسانه‌های دلکشی از نخستین پرواز انسان»، همان ماهنامه، س ۳، ش ۲ (بهمن ماه ۱۳۴۸).

^{۲۴} موزه: ... پای افزار چرمین بلندساق به ترکی چکمه گویند [لغت‌نامه دهخدا، حرف "م" ص ۷۰]. موزه‌داری (موزه‌دوزی و کفشگری است).

^{۲۵} دره: ابزار زدن، تازیانه.

و سرانجام به عنوان ختم کلام این بحث را با نقل قولی در شرح حمالان از کتاب فتوت نامه سلطانی به پایان می‌بریم:

«بدان که حمالی کاری است که بزرگان دین از وی حساب بسیار گرفته‌اند.* به واسطه آن که در حقیقت غیرانسان کسی حمال بار امانت نیست... و چون انسان حمال این بار شد، عنایت ازلی نیز انسان را برگرفت چنانچه فرماید: "حملنا هم فی البر والبحر"^{۲۷} ای انسان، چون تو بار ما برداشتی ما نیز عنایت تو را برداشتیم... و از این مقدمات معلوم شد که صورت حمالی اشارت به حمل بار امانت است. پس حمال باید که شرایط این کار به جای آرد تا صورت و معنی او با هم آراسته باشد» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۷۵).

اگر پرسند که شرایط حمالی چند است؟ بگوی چهار: اول آنکه چون بار بردارد، از برداشتن بار امانت حق یاد کند. دویم، چنانچه در زیر این بار به احتیاط می‌رود، در زیر بار امانت نیز به احتیاط رود تا پای دلش نلغزد و از راه راست نیفتد، سیّم چنانچه در این بار خیانت کردن روا نیست، در بار امانت^{۲۸} خیانت نکند... چهارم، چنانچه این بار را به منزل می‌باید رسانید تا مزد توان گرفت، بار امانت را نیز به منزل آخرت باید رسانید، تا لایق اجر عظیم و جزای جزیل گردید...

اگر پرسند که آداب حمالی چند است؟ بگوی دوازده: اول آنکه پیوسته با طهارت باشد، که این کار پاکان است... پنجم چون به میان مردم رسد ایشان را از رفتن خود آگاه سازد تا کسی را از وی ضرری نرسد، ششم، اگر درویشی را درمانده بیند بار او را به جهت ثواب بردارد و به منزل رساند... دهم با همکاران خود نزاع نکند، یازدهم کار خود را بر یاران ایثار کند. دوازدهم در بند اجرت نباشد و در آن باب مبالغه نکند و از انصاف درنگذرد...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۷۵).

همانگونه که اشاره شد در آیین جوانمردی هیچ شغلی نازل نیست و هیچ کاری خوار نمی‌باشد و در نوشته‌های جوانمردان در زیر نام پیامبران، نام پیران و نیم پیران با کارهای گوناگون، همچون پیر پنبه‌دوز، سلمان سرتراش، نیم پیر غسل، پیر گورکن، و... روبرو هستیم.

^{۲۶} فرض: «فرموده و واجب کرده خدا عزوجل بر بندگان (متنهی الارب)، آنچه به دلیل قطعی ثابت باشد و در آن شبهتی نبود... (تعریفات)... [لغت نامه دهخدا، حرف "ف"، ص ۱۷۵].

* مؤلف تا اندازه زیادی ناخودآگاهانه از گذشته‌های دور و شاید به خاطر تربیت پدری در عزت و قداست کار برای حمالی احترام خاص قائل بوده است، بی‌آنکه به درستی دلیل آنرا دانسته باشد و لذا در بیست سال پیش هنگامی که چند سالی مرئوس کتابخانه دانشکده بود دائماً نظراً و عملاً به ویژه در نمایشگاههای کتاب که با همکاران برای خرید کتاب می‌رفت - چون در آن سالها اجازه ورود ماشین به داخل نمایشگاه را نمی‌دادند و ما می‌بایستی پس از خریدهای طولانی و زیاد و خسته کننده در شلوغی‌های نمایشگاه، خریدهای یک روزه را دست به دست به پای مینی‌بوس در خارج از نمایشگاه برسانیم - بارها به همکاران بسیار شایسته و داندۀام می‌گفتم که حمالی مقدس و حمالی کتاب مقدس‌ترین حمالی‌ها است. اما پس از خواندن این متن در فصلنامه فرهنگ و زندگی برای نخستین بار به بخشی از این دلیل و تقدس و رازمندی پی برده است. حمالی نماد حمل آگاهی و مسئولیت‌پذیری بود که همچون بردن بار آگینه ظریف و سخت بوده و همه آگاهان و رخرزدان راستین همه زمانها و مکانها به شکل مستمر می‌بایستی از آن مراقبت کنند و به قول فتوت نامه‌ها: از آن "حساب بسیار" گیرند.

^{۲۷} نک به: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (و به درستی گرامی گردانیدیم فرزندان آدم را و برداشتیم ایشان را در بیابان و دریا و روزی دادیمشان از پاکیزه‌ها و افزونی دادیم‌شان بر بسیاری از آنکه آفریدیم، افزونی دادنی) «[قرآن کریم، سوره ۱۷ (الاسرا)، آیه ۷۲].

^{۲۸} اندرآداب زورگیری، همان صفحه

در فتوت نامه چیت سازان می خوانیم: «... و پیر چیت سازی حضرت لوط پیغمبر است...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۳۸). اگر پرسند که: پیر دوم چیت ساز کدام است؟ جواب بگو حضرت شیث علیه السلام، اگر پرسند که سه نیم پیر کدامند؟ بگو اول سلمان سرتراش، دویم نیم پیر غسال، سیّم پیر گورکن. (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۳۲). بیان کارهایی همچون سلمانی که در گذشته در ایران جزء کارهای با منزلت اجتماعی پایین محسوب می شده است و یا غسالی (مرد شویی) و گورکنی به عنوان شغل برای این پیران می تواند قابل تأمل و آموزنده باشد. در پایان گفتنی است که در رسائل جوانمردان نه تنها کارها و مشاغل، بلکه غالباً ابزار و گاه حتی اجزاء و رویه‌ها (شیوه کار) و نام‌ها و حروف آنها نیز رمزگذاری می شده‌اند. مثلاً در "بیان ناوه کشان و کار ایشان" در فتوت نامه سلطانی آمده است:

اگر پرسند که ناوه کشی از که مانده؟ بگوی اول از جبرئیل علیه السلام، دوم از ابراهیم خلیل (ع)، سیم از اسمعیل (ع)، که چون خانه کعبه را پوشیدند جبرئیل (ع) پرسید که ای خلیل الرحمان زحمت بسیار کشیدی تا خانه را پوشیدی اما اگر بام خانه اندوده نشود همه رنج‌ها ضایع گردد. ابراهیم گفت چگونه کنم؟ جبرئیل تعلیم داد تا گل کردند و ناوه‌ای که تراشیده نوح نجی الله بود حاضر گردانیده و آوردند که جبرئیل (ع) خود ناوه گل را بر گرفته و به بام کعبه برآورد تا ابراهیم طریقه ناوه برداشتن بدانت. (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۱۵-۳۱۴).

«اگر پرسند که فوق و تحت ناوه کدام است؟ بگوی فوق ناوه در صورت گِل است و در معنی صفت آدم... و تحت ناوه در صورت آدمی است و در معنی برداشت امانت الهی که و حملها الانسان...»* (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۲۲). «اگر پرسند که نردبان اشارت به چیست؟ بگوی به تربیت پیر که هر زمان مرید را به پایه بلندتر رساند تا از آن جمله نباشد که حضرت رسالت (ص) در شأن ایشان فرمودند که: ... "هر که دو روز او مساوی باشد زیان زده است".^{۲۹} پس صاحبان نردبان باید که هر روز در سلوک طریق، ترقی داشته باشد تا دست در بازوی نردبان و پای بر پایه نردبان نهادن او را مسلم باشد.» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۱۷).

اگر پرسند که دو بازوی نردبان اشارت به چیست و پایه‌های او عبارت از چیست؟ بگوی دو بازوی او شریعت و حقیقت است، و پایه‌ها مراتب طریقت است. یعنی پهلوان معنی آن کسی است که به مدد بازوی شریعت و حقیقت پای در دایره طریقت زند و مراتب آنرا به نهایت رساند که در میان نردبان ماندن دلیل نارسیدگی است چنانکه مولانای رومی قدس سره فرماید:

پایه چند ار برآیی، باشی از اصحاب الیمین^{۳۰} / ورسی بر بام خود السابقون السابقون^{۳۱}

* . اشاره به آیه ۷۲ از سوره احزاب (۱۳) قرآن کریم.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا... (بدرستی که ما عرضه نمودیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها، پس نپذیرفتندش، پس پذیرفتش و برداشتش انسان، به درستی که او باشد ستمکار نادان...)

حافظ گوید:

«آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند.»

^{۲۹} . «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ غَدَّةً شَرًّا مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ...» (اگر دو روز کسی [در کسب نیکی‌ها] برابر باشد مغبون است. اگر فردای کسی بدتر از امروزش باشد ملعون است...) [پیام پیامبر. تدوین و ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ مسعود انصاری، تهران، ۱۳۷۶، انتشارات جامی، صص ۸۴۵ و ۸۴۴].

^{۳۰} . اشاره به: سوره (المدثر)، آیه ۴۱ و سوره (الواقعه)، آیه ۲۶ و ۸۹ و ۹۰ قرآن کریم.

اگر پرسند که حروف نردبان چه معنی دارد؟ بگوی "نون" اول "نیاز" است...» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۱۹-۳۱۸).

باید افزود که تعلیمات کسب نامه‌ها و رسائل جوانمردان (فتوت نامه‌ها) تنها به ستایش و ارزش قدسی دادن به کار و کارگر اکتفا نکرده بلکه همراه با آن کارکردهای دیگری را نیز دنبال می‌کند که مهمترین آنها اهمیت دادن به امر آموزش، تنظیم و بهبود روابط استاد - شاگرد، برانگیختن حس احترام فوق‌العاده و همیشگی کارآموز نسبت به استاد خود و پیشکسوتان و پیران صنف، افزایش مهربانی و دلسوزی استاد در حق نوآموز و کارآموز، تنظیم و بهبود میزان همکاری و احترام بین اهل یک حرفه و صاحب حرفه‌ها نسبت به مشتریان و توده‌های مردم و در کل بنی نوع و برانگیختن احترام برای حرفه‌ها در میان جامعه و در کل موجب تسهیل در ایجاد و انتقال "پتانسیل فرهنگی"^{۳۳} و تسریع در ایجاد انواع سرمایه‌ها و از آن جمله سرمایه اجتماعی که به شدت نیازمند اعتماد افراد و همکاری افراد یک جامعه به ویژه اصحاب حرف نسبت به یکدیگر است، می‌باشد. همچنین این متون به شدت سبب خیر افزایشی برکت بخشی با بالا بردن شدید انگیزه و میزان رضایت و احساس باهودگی معنابخشی به کار و زندگی را فراهم می‌سازد. اکنون که به اینجا رسیده‌ایم ممکن است این اندیشه از خاطر برخی خوانندگان محتاط و شکاک بگذرد که آنچه که ما در این جا و دیگر مقاله‌های مربوط به فرهنگ تولیدی و کار در ایران بازگو کرده‌ایم؛^{۳۳} تنها نشان دهنده و بازتابنده باورهای ایرانیان نسبت به کار و فرهنگ آن در فلسفه، ادبیات، شریعت و طریقت ایرانیان بوده و امکان دارد که بین نظر و عمل آنها شکاف و گسل غیرقابل عبوری وجود داشته باشد و با همه این مواظ و تمهیدات فرهنگی، ایرانیان همچنان اهل کار و کوشش نبوده باشند.

اولاً اگر روابط بین فلسفه، دین، هنر، خصائل و رفتارهای اجتماعی مردمان یک جامعه تا این اندازه سست باشد، در واقع باید گفت بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مانند: جامعه‌شناسی هنر، ادبیات، دین، معرفت و انسان‌شناسی ادبیات هنر و غیره بی‌معنا خواهند شد و منظومه‌ای و سیستماتیک بودن جامعه، فرهنگ و فرد زیر سؤال خواهد رفت و جهان چنان آشفته بازاری خواهد شد که هیچ چیز دلیل هیچ چیز نخواهد بود و کوشش برای شناخت جهان معنای خود را از کف خواهد داد. با چنین شیوه تفکر "نولادریونی" همچون برخی نحله‌های افراطی پست مدرنیستی بحران معرفت نیز به سایر بحران‌های جهان افزوده خواهد شد.

از این گذشته ایرانیان در درازنای تاریخ و پیش از تاریخ خود در عمل ثابت کرده‌اند که اهل کار و پیکار و کوشندگی بوده‌اند. ایران یکی از نخستین مراکز شروع کشاورزی و یکجانشینی و دامداری بوده است. مهمترین "بندجان آدمی"^{۳۴} از غلات یعنی "گندم" و تخم و تخش‌ترین دام جهان یعنی "بز" در دوران بربریت میانه در

۳۱. اشاره به سوره ۵۶ (الواقعه)، آیه ۱۰.

۳۲. درباره منظور ما از "پتانسیل فرهنگی" نک به: مقدمه انسان‌شناسی یاریگری.

۳۳. نظیر:

«کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۵.

«کار و رفوگری زمان در شعر پروین».

«کار در شعر و شعور شاعران ایرانی».

«فروهشتگی روستا و کزبالشی شهر ایرانی».

۳۴. ضرب‌المثلی کرمانی می‌"وید: «نان است که بند جان است» (مندم). مسعود سعد سلمان گوید: نان چو شد منقطع نماند جان / که همه آرزوی من

نان است». [علی‌اکبر دهخدا، امثال و حکم، ج ۴، ص ۱۷۹۰].

ایران اهلی شده است. زندگی در سرزمینی با کویرهای سخت خشک بی آب و علف و کوهستانهای سرسخت و کم خاک و زمین و جنگل‌های انبوه و به قول کوه‌نشینان کلاردشت "با وجود جبر و ابر و بیر" ^{۳۵}* و شرایط سخت اجتماعی به دلیل شرایط سوق‌الجیشی و مقابله مستمر با حملات موج‌وار بادیه‌نشینان کوچنده از سوئی و تمدن غربی چه در موج هلنی و چه در موج دوم و پانصد ساله استعمارگران اروپایی و دست‌نشانگان و همسودان داخلی آنها، آیا می‌تواند جایی برای تن‌آسایی و فرهنگ کاهلی برای ایرانیان بگذارد؟

ملتی که تنها آخرین بازمانده شبکه کاریزهایش یعنی ۱۵۵۰۰ رشته قنات‌اش به اندازه هشتاد درصد فاصله زمین تا کره ماه و ۷/۷ برابر خط استوا کوره و میله دارد، ^{۳۶} - در حالی که این شبکه در نیم قرن گذشته ۵۰۰۰۰۰ رشته بوده است. ^{۳۷} - که در زیر قنات‌های غالباً عمیق و کم شیب یزدش آسیاب آبی می‌ساخته‌اند ^{۳۸} و تمام دامنه‌های کوهستانهایش پر از جوی‌ها و نه‌رهایی است که غالباً از چند کیلومتر تا چند فرسنگ، آب چشمه‌ها و دره‌ها را به سرزمین‌های کم آب دور دست می‌برده است، که گاه در این مسیر و در مناطق و دره‌های شنی و واریزها و سنگ‌های شکسته، بستر جوی‌هایشان را با کرباس موم کشیده عایق می‌کرده‌اند ^{۳۹} و برای عبور آب رودخانه از موانع و تپه‌های مرتفع به دشت‌های دور از رودخانه، منگول ^{۴۰} و "شتر گلو" ^{۴۱} در دل سنگ می‌ساخته‌اند، و از قطره قطره باران و شاخه شاخه علف و ذره ذره خاک برای امرار معاش - بدون تکیه به کار بردگان نسبت به تمدن‌های یونان و روم که - - - - - و برخی کشی - - - - - و رهای غربی - - - - - در دوران استعماری - سود می‌جسته‌اند و در سه جبهه طبیعت سخت و مهاجمان سخت‌تر و حکومت‌های غالباً خودکامه و ستمگر ایستادگی می‌کرده است، چگونه می‌توانسته کاهل باشد؟ شاید بسیاری از خوانندگان ما ندانند که نخستین دیوار بلند حایل برای ممانعت از هجوم غارتگران صحرانشین نه از آن چین که از آن گرگان ایران بوده است.

در دره‌های پر آب اما کم خاک اورامانات ^{۴۲} و در کوه‌های کم آب و بی‌خاک بشاگرد، ^{۴۳} ذره ذره خاک را از دست آب گرفتن و گاه حتی با توبره بر گردن بزها به بالای تپه‌ها و کوه‌ها و دامنه‌ها بردن و در سواحل رودخانه و در جزایر خاکی خود ساخته و گاه در میان تخته سنگها و گاه در سواحل سنگی یکپارچه مناطق خشک و گرم

^{۳۵} . مندم (مصاحبه نگارنده با یکی از دامداران بیلاقات کلاردشت چالوس).

* . هنگامی که مؤلف از دیدن آن همه زیبایی‌های بهاری در مرز بین جنگل و مراتع کوهستانی به وجد آمده بود و از آن به عنوان بهشت روی زمین نام می‌برد و حسرت زندگی در چنان جانی را می‌خورد. پیرمرد در جواب همه آن سخنان چنین گفت: اگر نبود جبر و ابر و بیر.

^{۳۶} . جواد صفی‌نژاد. «قنات در ایران»، مجله دانشکده، س ۲، ش ۸ (۱۳۵۶)، صص ۱۰۷-۱۱۰.

^{۳۷} . عنایت الله رضا و دیگران. آب و فن آبیاری در ایران باستان، تهران، ۱۳۵۱، وزارت آب و برق، صص ۱۴۵.

^{۳۸} . مرتضی فرهادی. «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی نان شب مردم نگاران ایران»، نمایه پژوهش، ش ۱۱ و ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸)، صص ۱۰.

^{۳۹} . مندم (مصاحبه نگارنده با کشاورزان و عشایر در کوهستانهای شمال شرق تهران).

^{۴۰} . منگول: سازه‌ای شبیه به کاریز با این تفاوت که به جای تغذیه از سفره‌های زیرزمینی، از آب رودخانه تغذیه کرده و آب را از زیر موانع و گاه از دل سنگ عبور داده و به مناطق پست‌تر و دور از دسترس رودخانه می‌برد. برای نمونه نک به: فرهنگ یاریگری در ایران، صص ۹۵-۹۸.

^{۴۱} . شتر گلو: سازه‌ای که با استفاده از قانون ظروف مرتبط آب را از دره‌ها و بستر رودخانه‌ها و موانع دیگر عبور می‌دهد که گاه در نمونه‌های بزرگ آن دارای چاههایی نیز می‌باشد و شکل معمولی و ساده آن U مانند است. برای نمونه پیچیده آن نک به: همان منبع، صص ۱۶۲-۱۶۴.

^{۴۲} . منبوم و دم (مصاحبه نگارنده با مهاجرین و مسافرین و دانشجویان منطقه).

^{۴۳} . مومندم (مصاحبه و مشاهده نگارنده در محل).

جنوب همانند سواحل بوشهر در دل سنگ رخنه کردن و چاه کندن و داخل آن مو و درخت کاشتن،^{۴۴} و چند هزار سال زندگی را در چنین شرایطی ادامه دادن و در پی آب و علف گاه تا سیصد کیلومتر با میلیون‌ها دام کوچ کردن و در این کوچ‌ها و با تکنولوژی‌های پیش از صنعت از رودخانه‌های پر آب و کوه‌های پر برف عبور کردن، آیا جایی برای کاهلی برای ایرانیان می‌گذاشته است؟^{۴۵}

در پایان این نوشته خوانندگان با فرهنگ و علاقمند را به دو سند دیداری کم یاب و کم‌نظیر انسان‌شناختی یکی مربوط به هشتاد و پنج سال پیش و مربوط به کوچ هر ساله طایفه‌ای از بختیاری‌ها از خوزستان به زردکوه بختیاری^{۴۶} * و دیگری مربوط به لایروبی نهری ۱۸ کیلومتری مربوط به حدود دو دهه پیش در "نیمه‌ور" و باقرآباد محلات جلب می‌کنم.^{۴۷}

با این همه، این واقعیتی است دردناک که ایرانیان، در چند پاگرد تاریخی و از آن جمله چهار صد سال گذشته به شکل موضعی و آهسته آهسته به دلایلی که در نوشته‌ای جداگانه آورده‌ایم و به ویژه در یکصدسال اخیر با شتابی تند شونده و فراگیر از تولید و کار و از فرهنگ تولید و کار چند هزار ساله خود در حال دور شدن هستند. همه ایرانیان با سنت‌های گوناگون در این دگرگونی شریکند چیزی که هست برخی در این زمینه در واکنش‌های نخستین و برخی در واکنش‌های آخر به سر می‌برند، همه و به ویژه طبقه میانی با شدت بیشتری از فرهنگ کارکوشندگی در حال دور شدن‌اند. فرار از کار به انحاء گوناگون و عادت به کاهلی و اشرافیت دروغین و بی‌کارکرد و کژکارکرد این طبقه متورم و متوهم با ورم روزافزون بیمارگونه^{۴۸} و گرایش کلی جامعه به سمت و سوی مصرف‌گرایی افراطی مسئله‌ای نیست که بتوان از آن چشم پوشید.

برخی از تحصیل‌کردگان که این مباحث را در این سه دهه از اینجانب شنیده‌اند و در عین حال از دفاع مؤلف از فرهنگ تاریخی ایرانیان در چنین زمینه‌هایی باخبرند، به من به جد و یا به شوخی می‌گویند: وقتی خود شما

^{۴۴} . نک به: عباس عبدالله گروهسی. «کشت سنگجالی (انگور دیم... در روستاهای اطراف بوشهر»، ماهنامه زیتون، ش ۱۳ (اردیبهشت ماه ۱۳۶۱)، وزارت کشاورزی، صص ۱۸-۲۱.

^{۴۵} . نک به: صفحات بعدی همین نوشته.

^{۴۶} . فیلم مستند اتنوگرافیک علف (۱۹۲۵)، ارنست شودزاک و مریان سی کوپر.

* . «فیلم علف، یکی از معروف‌ترین آثار سینمایی مستند به حساب می‌آید. این فیلم حاصل سفر ۴۵ روزه مریان سی کوپر و ارنست شودزاک، کارگردانان آمریکایی، همراه با طایفه بابااحمدی ایل بختیاری است و یکی از قدیمی‌ترین سندهای تصویری مربوط به ایران است» [مهیار سید ابوالقاسمی. «علف ۱۹۲۵ (فیلم اتنوگرافیک) نامه انسان‌شناسی، ش ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، صص ۲۲۷-۲۲۹]. همچنین درباره این فیلم نک به: همایون امامی. سینمای مردم‌شناختی ایران، تهران، ۱۳۸۵، نشر افکار، پژوهشکده مردم‌شناسی، صص ۶۱-۶۹.

^{۴۷} . سرود دشت نیمه‌ور. (۱۳۶۶)، محمدرضا مقدسیان، فیلم مستند ۶۵ دقیقه‌ای و ۱۶ میلیمتری با فیلمبرداری آقای محمد بهادری و موسیقی متن محمدرضا درویشی. همایون امامی در فصل دوم کتاب سینمای مردم‌شناختی ایران ۱۵ فیلم مستند مردم‌شناختی مربوط به ایران را معرفی می‌کند که از فیلم علف شروع شده و با فیلم «وانگه روان جهان گله کرد» (۱۳۷۲) منوچهر طباطبایان می‌پذیرد، که فیلم "سرود دشت نیمه‌ور" نیز از جمله این آثار برجسته می‌باشد. در این باره نک به:

همایون امامی. سینمای مردم‌شناختی ایران، صص ۱۷۳-۱۸۵.

^{۴۸} . مولوی گوید:

«کام از ذوق توهم پُر کنی / در دمی در خیک خود پُرش کنی

پس به یک سوزن تهی گردی ز باد / این چنین فربه تن عاقل مباد!» (مثنوی معنوی دفتر سوم)

می‌پذیرید و باور دارید که ایرانیان امروزه چنین‌اند؛ چه اصراری دارید که ثابت کنید در گذشته این چنین نبوده‌اند. چه فرقی می‌کند؟

پاسخ من به این پرسندگان این است که دانستن این مسئله که آیا ایرانیان از روز ازل چنین بوده‌اند یا بعداً به چنین بیماری و آزاری دچار شده‌اند، از بسیاری جهات مهم است. منهای نتایج نظری و فایده فی‌الذات مهم فهم واقعیت تاریخی، از نظر علمی و از آن جمله تاریخ اجتماعی و مردم‌شناسی کار، اهمیت تمیز بین این دو حالت برای آسیب‌شناسی و مردم‌شناسی کاربردی، همچون تاریخچه بیماری مریض برای پزشک است.

دانستن تاریخچه و تبارشناسی مسئله، راه را برای فهم دلایل بیماری باز کرده و سپس راه و روش درست درمان و چاره‌اندیشی را به دانشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی و توسعه و روشنفکران و مردم ما از سویی و به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران از سویی دیگر خواهد آموخت.

اگر مسئله گریز از کار ایرانیان امری باستانی باشد، احیاناً دلایل آن را باید در ژنها و نژاد ایرانی و یا در مدار جغرافیایی و اقلیم جستجو کرد. در این صورت سر و کار ما با انسان‌شناسی جسمانی و زیست‌شناسی و نژاد و جغرافیا (خاک و خون) خواهد افتاد و راه و چاره کار اصلاح جغرافیایی و اقلیم! و یا احیاناً اصلاح نژاد و خون خواهد بود! و در مورد اول این اصلاح نژاد را یا باید در آمیختگی نژادها جستجو کرد یا در تصفیه نژادی! راه آمیختگی نژادی از هم اکنون شکست خورده است، چرا که اگر این راه، راه نجات بود تاکنون بارها این آمیختگی نژادی در ایران اتفاق افتاده است.^{۴۹} - البته باید پرسید در کجا اتفاق نیفتاده است؟ - و یا اگر همراه با برخی نژادگرایان و نژادپرستان همچون دوگوبینو و دیگران مشکل تمدن‌های باستان و انحطاط آنها را در همین آمیختگی نژادها بدانیم که چه بدتر!^{۵۰} در این صورت چگونه می‌توانم هفتاد میلیون ایرانی را تصفیه نژادی کنیم! مگر با نسل‌کشی یعنی پاک کردن صورت مسئله!

در مورد جغرافیا نیز کاری از دست ما ساخته نیست، نه ملت ایران می‌تواند "میهن سیار"^{۵۱} داشته باشد و مانند بنفشه وطنش را عوض کند^{۵۲} و نه جغرافیایش را دست کم تا مدت‌ها تغییر اساسی بدهد و یا چون استعمارگران چشم طمع به خاک و جغرافیای دیگران داشته باشد.

اما اگر ایرانیان پس از یک دوران طولانی کوشندگی به این آزار دچار شده‌اند، آنگاه باید به سراغ انسان‌شناسی فرهنگی و عوامل تاریخی مؤثر بر فرهنگ و روانشناسی اجتماعی و اقتصاد سیاسی و غیره برویم.

^{۴۹} . فردوسی یک هزار سال پیش به این آمیختگی نژادی از زبان رستم فرخزاد اشاره می‌کند:

«... از ایران و ترکان و از تازیان / نژادی پدید آید اندر میان / نه ایر و نه ترک و نه تازی بود / سخن‌ها به کردار بازی بود / رُ باید همی، این از آن، آن از این / ز نفرین ندانند باز، آفرین...» [فردون جنیدی. پیشگفتار بر ویرایش شاهنامه فردوسی، تهران، ۱۳۸۷، نشر بلخ، ص ۱۹.

^{۵۰} . البته نمی‌خواهم بگویم آمیختگی نژادی وقتی در هنگام جنگ و خونریزی و تسلط نظامی و قدرت سیاسی انجام می‌گردد، نتایج رفتاری بیمارگونه و آزارمندی به وجود نمی‌آورد، نه تنها در مغلوبین که حتی در قوم غالب نیز مشکل آفرین می‌شود، اما این ناپهنجاری‌ها و کز رفتاری‌ها نه حاصل آمیزش ژنها، بلکه به دلایل برخورد فرهنگ و کشاکش ارزش و هنجارهای متضاد است که برآیند آنها از قدرت همه فرهنگ‌های درگیر به شکل آشکار و پنهان می‌کاهد و بر سر دو راهی‌های فرهنگی و تعارضات عاطفی، تعارضات رفتاری بیمارگونه می‌پروراند. ما این مسئله را به شکل مشروح‌تر در انسان‌شناسی جنگ مطرح کرده‌ایم.

^{۵۱} . اشاره به شعر «کوچ بنفشه‌ها»ی شفیعی کدکنی در مجموعه از زبان برگها، تهران، ۱۳۴۷، انتشارات توس، صص ۲۰ و ۲۱.

^{۵۲} . همان منبع، همان صفحه.

می‌خواهم بگویم طرح مسئله در این شکل معمولی و البته آسان و سر راست که: "ایرانیان ذاتاً تنبل‌اند" گره‌ای از کار ما باز نخواهد کرد:

«... اینکه باز هم تکرار شود که ایرانی (که ما باشیم) تنبل است، راحت طلب است، مسئولیت‌گریز است... به اندازه حتی نیم قدم، ایرانی را از آن ذهنیت گرفتار در تاریکی بیرون نمی‌آورد و به سوی صورت ممکن ذهنیت جدید، نزدیکش نمی‌کند. ذهنیت ایرانی در متن مواجهات عینی و نه توصیه‌های انتزاعی، امکان رسیدن به آن صورت ممکن را پیدا می‌کند.» (علی‌اکبری، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

البته باید افزود، از آنجا که مواجهات عینی لحظه‌ای نیستند و در زمان تاریخی اتفاق می‌افتند، پس این مواجهات صورت تاریخی و فرهنگی دارند و خلق‌الساعه نیستند و برای فهم واقعیت و عینیت، چاره‌ای جز مواجهات تاریخی باقی نمی‌ماند.

در پی گزاره "ایرانی تنبل است" پرسش‌های مهمی باید پاسخ داده شود. از کجا دانسته‌ایم که تنبل است؟ معیارهای ما برای تنبلی چیست؟ علت آن چه بوده است؟ اگر بعداً تنبل شده‌اند از کی تنبل شده‌اند؟ چرا تنبل شده‌اند؟ کدام سنخ ایرانی زودتر و بیشتر تنبل شده است؟ نتایج این کاهلی چه خواهد بود؟ راه‌هایی کدام است؟ وظیفه دولت و ملت و روشنفکران و دانشمندان علوم اجتماعی ایران در این زمینه چیست؟

ما در این نوشته به برخی از این پرسش‌ها پاسخ داده‌ایم و در نوشته‌های دیگر پرسش‌های بعدی را پی خواهیم گرفت و پیشنهادات خود را برای تقسیم‌کاری کارآمد در برابر این معضل بنیادی خواهیم آورد تا بلکه از رفتن به دنبال نشانی‌های غلط نجات یابیم.

به هر حال طرح نادرست صورت مسئله، دادن نشانی غلط است. البته این گونه پیشداوری‌های پیشاتجربی غلط‌انداز برای شبه‌تئورسین‌های "از خرافتاده و گرده^۳ جسته" آسان و برای برخی صاحبان منافع و قدرت و گروه‌های همسو و "همسود" به قول "وبلن" مفید می‌باشد. اما نشانه‌های نادرست طبیعتاً برای مردم ما و کشور و فرهنگ کهنسال ایرانی بسیار پرهزینه و گران تمام خواهد شد.

ما نیز همچون ارسطو بر این باوریم که: «بهترین روش پژوهش، بررسی چیزها در جریان رشد آنها از آغاز است» (ارسطو، ۱۳۵۸: ۲).

منابع

- آذرتاش، آذرنوش. (۱۳۷۴)، «ابجد»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۹، تهران.
- ابن جبیر، محمدابن احمد. (۱۳۷۰)، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن بطوطه. سفرنامه ابن بطوطه، (۱۳۵۹)، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

^۳. نام محلی نوعی نان گرد - و بر خلاف "شاته" که خیلی نازک است - پر گوشت و نرم و آسان خوار در استان مرکزی، ضرب‌المثل هم از همان استان است که به تازه به دوران رسیده‌ها و فرصت‌طلبان که بدون کار و کوشش به جایی راه پیدا می‌کنند گفته می‌شود. مانند: «تغاری بشکند ماستی بریزد / جهان گردد به کاسه لیسان».

- ارسطو. (۱۳۵۸)، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران: انتشارات جیبی.
- افشاری، مهران. (۱۳۸۲)، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امامی، همایون. (۱۳۸۵)، سینمای مردم‌شناختی ایران، تهران: نشر افکار.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۷)، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- پیام پیامبر. (۱۳۷۶)، تدوین و ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ مسعود انصاری، تهران: انتشارات جامی.
- تاریخ و شرایط کار در ایران. (۱۳۵۰)، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- اتحاد، هوشنگ. (۱۳۸۷)، پژوهشگران معاصر ایران (عبدالحسین زرین‌کوب؛ محمدجعفر محجوب)، تهران: فرهنگ معاصر.
- «اندر آداب زورگری»، (۱۳۵۱)، فصلنامه فرهنگ و زندگی (ویژه نامه ورزش)، ش ۱، دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۷)، امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت نامه.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۳ (طبقات اجتماعی بعد از اسلام)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رضا، عنایت‌الله و دیگران. (۱۳۵۱)، آب و فن آبیاری در ایران باستان، تهران: وزارت آب و برق.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۵)، نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: نشر آگه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۸)، تاریخ ایران پس از اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ژید، شارل؛ ریست، شارل. (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه: کریم سبحانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدابوالقاسمی، مهیار. (۱۳۸۲)، «علف ۱۹۲۵ (فیلم اتنوگرافیک)»، نامه انسان‌شناسی، ش ۴.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۵۶)، «قنات در ایران»، مجله دانشکده، س ۲، ش ۸، دانشگاه تهران.
- صراف، مرتضی. (۱۳۷۰)، «رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت‌نامه)»، تهران: انجمن ایران‌شناسی.
- شاهنامه فردوسی. (۱۳۸۷)، پیشگفتار و ویرایش فریدون جنیدی، تهران: نشر بلخ.
- شعاری، علی‌اکبر. (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شفیع کدکنی. (۱۳۴۷)، از زبان برگ‌ها، تهران: انتشارات توس.
- شولتز، دوان؛ سیدنی، آلن. (۱۳۸۳)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- عبدالله گروسی، عباس. (۱۳۶۱)، «کشت سنگچالی (انگور دیم... در روستاهای اطراف بوشهر)»، ماهنامه زیتون، ش ۱۳، وزارت کشاورزی.

- علی‌اکبری، معصومه. (۱۳۸۸)، «کمی دربارهٔ ذهنیت ایرانی»، فصلنامه آئین، ش ۲۶ و ۲۷.
- فرهادی، مرتضی. فرهنگ یاریگری در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۸)، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی نان شب مردم‌نگاران ایران»، نمایه پژوهش، ش ۱۱ و ۱۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی یاریگری، تهران: نشر ثالث.
- فرهادی، مرتضی. انسان‌شناسی توسعه پایدار، در دستور چاپ.
- فرهادی، مرتضی. «مختصات شیئی مقدس و اصل همربایی قطب‌های همنام»، نمایه پژوهش، ش ۷ و ۸.
- فرهادی، مرتضی. «کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۴.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۹)، «ترانه‌های کار، کارآوای فراموش شدهٔ استانکاران و کارورزان»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱ و ۱۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۶)، «ترانه‌های کار مشک زنی در روستاهای کمره»، فصلنامه راه دانش، ش ۹ و ۱۰، اداره کل ارشاد اسلامی استان مرکزی (اراک).
- قرآن کریم.
- کیوانی، مهدی. (۱۳۷۹)، «اصناف»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۹، تهران.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۴۷)، «داستانهای عامیانه (گفتگو با دکتر محمدجعفر محجوب)»، ماهنامه دانشجویان دانشسرایعالی مامازن، س ۲، ش ۱ و ۲.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۴۸)، «افسانه‌های دلکشی از نخستین پرواز انسان»، ماهنامه دانشجویان دانشسرایعالی مامازن، س ۳، ش ۲.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۵۰)، مقدمه بر فتوت‌نامهٔ سلطانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۳)، ادبیات عامیانهٔ ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه.
- نفیسی، سعید. (۱۳۵۴)، «فتوت‌نامه‌ای از قرن هفتم هجری»، فرهنگ ایران زمین، ش ۹ و ۱۰.
- مومندم (مشاهده و مصاحبه نگارنده در محل).